

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران – توفان

اول اکتوبر ۲۰۱۲

## نظری بر جنبش کارگری- اعتراضی

### در شرایط تعمیق بحران سرمایه داری

امروزه افکار عمومی بشری و کلیه اخبار و گزارشات رسانه های جمعی روی دو مسأله، روی دو معضل جدی، که آینده و بود و نبود نظام سرمایه داری را رقم خواهند زد، تمرکز یافته است: اولی- بحران ساختاری رو به تعمیق نظام سرمایه داری- امپریالیستی جهانی؛ دومی و به تبع آن، جنگها، تهاجمات و تجاوزات یکی بعد از دیگر امپریالیسم جهانی در شکل و هیبت تروریستی به خلقها و کشورهای مختلف جهان.

این، یک امر قانونمند و طبیعی است که بحران مالی- اقتصادی سرمایه داری نمی توانست و نمی تواند فقط در همین عرصه محدود بماند و عرصه های دیگر نظام را فرانگیرد. ساختار مالی- اقتصادی اروپا و امریکا در گرداب رکود عمیقی گرفتار آمده است. طبق آخرین اخبار و گزارشهای آماری یورواستات، از ماه اپریل تا جون سال جاری، رشد اقتصادی ۱۷ کشور ناحیه پولی یورو و به طور کلی، همه ۲۷ کشور عضو شورای اروپا به کمتر از ۲/۰ درصد سقوط کرده است. اقتصاد امریکا نیز که به ادعای بانک جهانی، به عبارت دیگر، انبار پول سارقان بین المللی، بزرگترین اقتصاد جهان شمرده می شود، میزان رشد تقریباً مشابهی را نشان می دهد. برآوردهای مقدماتی از ادامه سیر نزولی رشد اقتصادی پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری جهان در ماهها و سالهای آتی خیر می دهد. میزان بدهی خارجی امریکا از ۱۵ تریلیون دلار و المان از ۲ و نیم تریلیون دلار فراتر رفته، اقتصاد فرانسه در طول ۹ ماه گذشته، حتی کمترین میزان رشد را نشان نمی دهد. همه اینها پیامدهای بسیار مخربی برای جامعه، نه تنها در حوزه کشورهای امپریالیستی، بلکه، در سراسر جهان به ارمغان آورده است. بیکاری و فقر عمومی فراگیر شده و دائماً رو به فزونی می رود. در امریکا تنها در اثر کسری تراز بازرگانی این کشور با چین، ۲ میلیارد و ۷۰۰ هزار فرصت شغلی از بین رفته است. شاخص بیکاری در المان، بزرگترین اقتصاد اروپا و ایالات متحده امریکا از مرز ۱۲ درصد گذشته است. رشد دم افزون بیکاری در دیگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته، مثل انگلستان، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا از این هم وخیم تر است. بیکاری در کشورهای کمتر توسعه یافته اروپائی مثل یونان، پرتغال، ایرلند و حتی ایتالیا که همگی در آستانه ورشکستگی کامل قرار گرفته اند، با چشم

پوشی بر عدم انطباق آمارهای رسمی با واقعیت‌های موجود، بالای ۲۵ درصد را نشان می‌دهد. بیش از نیمی از جوانان این کشورها جویای کاراند. بیکاری در بخش شرقی اروپا، جنبه عمومی دارد و بدون احتساب مشاغل کاذبی مانند دستفروشی و فروشندگان دوره‌گرد، به بالاتر از ۶۰ درصد می‌رسد. به همین سبب هم، هیچ ارگانی خود را ملزم به ارائه آمار حتی ساختگی نمی‌داند. افزایش بیکاری، هیچ مفهوم دیگری جز افزایش فقر و کاهش مصرف‌کننده و تعمیق بحران ندارد.

در چنین شرایطی، که مدیران و گردانندگان نظام در چنگال بحران‌های شدید سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اخلاقی گرفتار آمده‌اند، به رغم اجلاسها، دیدارها و گفت‌وگوهای مستمر، قادر به تدوین هیچ برنامه راهبردی نیستند. دروغ، کلاشی، کلاهبرداری‌های لومپنانه و زورگیری به سیاست رسمی دولتها و مدیریت نظام مبدل شده است. آنها با پیروی از تز کودنانه «امروز را به فردا برسانیم تا ببینیم چه می‌شود»، ندانم‌کاری و ناتوانی خود و نظام را به نمایش می‌گذارند. اندوخته‌های ملی کشورها در خزانه‌های دولتی را دو دستی به بانکها و انبارهای پول سرمایه‌داران تقدیم کردند؛ هزاران مؤسسه و مرکز کار و تولید را به تعطیلی کشاندند و صدها هزار شاغلان آنها را به صفوف اردوی عظیم بیکاران روانه ساختند؛ به بهانه افزایش سن بازنشستگی، حقوق و مستمری بازنشستگان را به نفع بانکها مصادره کردند؛ حقوق و دستمزد شاغلان را تا حد ممکن پائین آوردند؛ تحت عنوان «ریاضت اقتصادی» دستاوردهای مبارزه و پیکار تاریخی کارگران و زحمتکشان در عرصه خدماتی اجتماعی و دیگر عرصه‌های زندگی را یکی بعد از دیگری پس گرفتند. هزینه تحصیل در مدارس و دانشگاهها را دو تا سه برابر افزایش دادند، تا از ورشکستگی نظام بانکی جلوگیری کنند... با این وجود، چون چاره کار را نیافتند و گریزی از انبوه معضلات و مشکلات اجتماعی باز نماند، سیاست کهنه جنگ و تجاوز علیه دیگر کشورها را به منظور فعال سازی بازار اسلحه و یغمای ثروتهای ملی آنها در پیش گرفتند، اما راه خروج از بحران همچنان بسته ماند و سیر سعودی رکود و تنزل اقتصادی ماههای اخیر نشان می‌دهند، که نظام سرمایه‌داری جهانی هر چه بیشتر در باتلاق فرو می‌رود و موجب تشدید فقر، محرومیت و تباهی در جامعه و افزایش شدید فساد، رشوت خواری و خودسری در میان سران نظام گردیده است.

بدین ترتیب، پوسیدگی و کراهت نظام سرمایه‌داری بیش از پیش آشکار شده و گورکنان آن وارد میدان کارزار نهائی شده‌اند. دیگر کمتر کسی تردید می‌کند که هر دقیقه ادامه حیات سرمایه‌داری به بهای خون هزار-هزار انسان، به بهای استثمار و بردگی هر چه بربرمنشانه‌تر انسان تمام می‌شود.

هم از این رو، کارگران و زحمتکشان همه عرصه‌های فکری و دستی، این تولیدگران تمام نعمات و نیازهای مادی، فکری و معنوی انسان با شناخت و درک واقعیت‌های ناهنجاری که نظام سرمایه‌داری بر جهان تحمیل کرده است، امروز دیگر به نبردی پایانی، به رزمی سرنوشت ساز با نظم موجود برخاسته‌اند. آنها به موازات مبارزه علیه جنگها و تجاوزات امپریالیستی-استعماری و دفاع از صلح و امنیت جهانی، برای احقاق حقوق انسانی خویش و برای تأمین آینده مطمئن خود و نسلهای آینده بشری، به اعتصابات و اعتراضات گسترده، دست زده‌اند. هم اکنون تقریباً تمام کشورهای جهان، اعتراضات و اعتصابات میلیونها انسان کار و زحمت را شاهد است. امواج عظیم اعتراضات و اعتصابات توده‌ئی، درست بنیان و شالوده فرسوده نظام حاکم را هدف گرفته است. بر شماری حتی فهرست وار همه اعتراضات، اعتصابات کارگری، گروههای صنفی و سندیکائی گرچه خارج از حد ظرفیت این نوشتار است، ولی ذکر شماری از آنها، تصویر زنده و ملموسی از مبارزات توده‌های عظیم کار و زحمت را در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری به نمایش خواهد گذاشت.

طی همین ۹ ماه گذشته سال جاری میلادی جهان شاهد اعتصابات و اعتراضات گسترده کارکنان و شاغلان بخشهای مختلف تولیدی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. از میان آنها، می توان به تجمعات اعتراضی و اعتصابات در پالایشگاه نفت آبادان، پتروشیمی، ساختمانی، دانشگاهها و مؤسسات آموزشی و به فقدان امنیت شغلی، تعویق در پرداخت دستمزدها، افزایش قیمت مسکن و هزینه سید غذایی خانوارهای کارگری، در مخالفت با دستگیری فعالان سیاسی، کارگری، دانشجویی و زنان در ایران؛ فعالان ضد سرمایه داری در فرانکفورت؛ کارکنان فرودگاهها و بخش هواپیمائی در بسیاری از کشورها از جمله در فرانکفورت المان؛ اجتماع فعالان ضد سرمایه داری موسوم به «اشغال فرانکفورت» در نزدیکی ساختمان بانک مرکزی اروپا و جنبش ۹۹ درصدیهای مشهور به «اشغال وال استریت» در امریکا؛ اعتصاب و تظاهرات دانشجویان کانادا؛ اعتصاب پزشکان و شاغلان بهداشت و تندرستی و کارکنان راه آهن پرتغال؛ اعتصاب آتش نشانان، رفتگران مترو و رانندگان اتوبوس در لندن در هنگام مسابقات المپیک لندن؛ اعتصاب ۱۱ هزار معلم در استرالیا؛ اعتصاب گسترده کارکنان بخش خدمات عام المنفعه در امریکا با شرکت ۱۸۰ هزار نفر؛ اعتراض تقریباً همه روزه مردم کوریای جنوبی علیه دولت سرمایه داری و انعقاد قراردادهای اسارت بار آن با امریکا؛ اعتراض میلیونها فقیر علیه مثنی میلیارد در هنگ کنگ؛ اعتصاب بیش از ۵ هزار نفر از معلمان در اردن؛ اعتصاب ۲۵۰۰ نفر از کارکنان متروی بوئنس آیرس، پایتخت آرژانتین؛ تظاهرات کارگران و کارکنان معادن چیلی؛ تظاهرات، اعتصابات و اعتراضات تقریباً همه روزه اقشار مختلف مردم یونان، ایتالیا، اسپانیا، از جمله، شرکت یک و نیم میلیون نفر از مردم اسپانیا در ۸۰ شهر این کشور در اعتراضات علیه سیاست «ریاضت اقتصادی» دولت؛ ادامه اعتصاب معدن کاران اسپانیا و بستن همه راهها به شمال کشور و همچنین، اعتراض کارکنان راه آهن اسپانیا به خصوصی سازی راه آهن که در صورت اجرای آن، ۱۰۰ هزار نفر از کارکنان آن از کار بیکار خواهند شد؛ اعتصاب معدن کاران افریقای جنوبی که در اثر دخالت خشن پولیس، ۳۴ تن از آنان کشته و بیش از ۸۰ نفر زخمی شدند.

اگر چه همین موارد ذکر شده تمام ابعاد خیزشهای انقلابی علیه نظام سرمایه داری را نشان نمی دهد، ولی گواه انکار ناپذیر وخامت هر چه بیشتر اوضاع مالی- اقتصادی نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی و نشاندهنده عزم راسخ توده های کار و زحمت برای به زیر کشیدن آن است. این اوضاع و احوال شکی نیست که از یک سو، تشدید تنشها و تشنجات، تلاطمات و مناقشات سیاسی و تشتت فکری در بین مبارزان را در پی خواهد داشت و از دیگر سو، دولتها را به تنگ تر کردن فضای پولیسی- امنیتی جامعه و تشدید سرکوب مبارزان و ادار خواهد ساخت، ولی این هم از هم اکنون روشن است که کارگران و زحمتکشان متشکل در حزب طبقه کارگر، با مبارزه و پیکار آگاهانه، از میدان این رزم سرنوشت ساز پیروز بیرون خواهند آمد، زنجیرهای استثمار و بردگی را از دست و پای خود خواهند گسست و دفتر عمر سرمایه داری را برای همیشه خواهند بست.

**نقل از توفان الکترونیکی شماره ۷۴ نشریه الکترونیک حزب کارایران شهریورماه [سنبله] ۱۳۹۱**

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)